



صاحب‌انبار موسسه همگام اندیشه‌های
مدیر مسئول: محمود حبیری سردبیر: باقره جعفری
نشانی: کرج، باقر نعلون، خیابان فرهنگ جنب کانون
کتابخانه رسمی دادگستری
تلفن: ۰۲۶۳۳۳۳۳۳-۰۲۶۳۳۳۳۳۳
۰۲۶۳۳۳۳۳۳-۰۲۶۳۳۳۳۳۳
اینترنت: در طرح ارزیابی کیفیت وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی: ۰۲۶۳۳۳۳۳۳
چاپ: کارگر

۱۵۵۶ امروز با حافظ
بیا به میگد و چهره ارغوانی کن
مربوه صومعه کاتجاسبا کاراند
خلاص حافظ از آن زلف تابدار مباد
که بستگان کند تور ستارگاند



۱۵۵۶ امروز با حافظ
بیا به میگد و چهره ارغوانی کن
مربوه صومعه کاتجاسبا کاراند
خلاص حافظ از آن زلف تابدار مباد
که بستگان کند تور ستارگاند

اوقات شرعی
ان صبح ۰۴:۴۴ طلوع آفتاب ۰۶:۰۷ اذان ظهر ۱۱:۵۲ غروب آفتاب ۱۷:۵۶ اذان مغرب ۱۷:۵۶
برگه
آدم وقتی که کسی در انتظار هست
به این سادگی نمی‌میرد...

گزارش روز

عند الاستطاعه یا عند المطالبه؟



«اگر برای زنی که خانه‌دار است، یک شرایط مالی ایجاد کردیم و این زن و شرایط اقتصادی او را دیدیم، اگر ختمانی که زن در خانه ارائه می‌دهد ارزش‌گذاری شده، اگر توانمندی برای زنی که در آستانه طلاق است و توانمندی اقتصادی ندارد، چاره‌ای اندیشیده شود و راهکار داشته می‌توانیم به بحث مهربانه بپردازیم.»

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایران، جامعه و نخبگان و کنشگران حوزه زن و خانواده باید سلیبانشان را به مسئولان و مراجع برسانند. سمیه سلوات حسنی حلم و کیل پایه یک دادگستری، کنشگر حوزه زنان، عضو شورای مرکزی کانون تکریم و خانواده با بیان این مطالب می‌گوید: «آن‌شاه‌الله قاسم‌زاد که در جلسه‌ای در تهران، در جلسه‌ای که در این است که متأسفانه صدای زنان بلند نیست در حال حاضر برخی از مردان مشکلاتی که در زمینه پرداخت مهریه دارند، به بیوت علما مراجعه می‌کنند و مسائل خودشان را مطرح می‌کنند»

این کنشگر حوزه زنان با بیان اینکه به نظر من باید به دو مسئله که در حاشیه جلدی پرداخته در مورد این مشکلات چنین توضیح می‌دهد: «یکی اینکه زنان بویژه زنان کنشگر که در گذشته حل مسائل در چهار چوب نظام و شرع را دارند از علما بخواهند به این مسائل ورود پیدا کنند به هر حال برخی از مسائل در دستان علماست چون برای تغییر و ایجاد قوانین جدید به پشتوانه قهقی نیاز داریم جامعه زنان این موارد را از علما و مراجع بخواهد و مشکلات را منتقل کند در مرحله دوم وظیفه و مشکلات مسئولان است که در زمینه مسائلی از این دست که به دو طیف زنان و مردان در جامعه مربوط است خودشان بیروند چقدر صدای طرف مقابل را شنیدند و از آنها دعوت کنند و زمینه‌های اشتراکی پیدا کنند» عضو شورای مرکزی کانون تکریم زن و خانواده اشاره به اینکه در شرایط فعلی مطرح شدن مسائلی از قبیل قانون مهریه به صلاح نیست، می‌گوید: «مسائلی از این دست باعث آشفتنی اجتماعی به فرض این مسئله مشکل دارد و ما می‌دانیم باید حل شود و این امری اصلاً شرایط حل آن فراهم

نیست، باید قانونی درست، منصفانه و عادلانه تصویب شود و طرفین را ببیند. اگر برای زنی که خانه‌دار است، یک شرایط مالی ایجاد کردیم و این زن و شرایط اقتصادی او را دیدیم، اگر ختمانی که زن در خانه ارائه می‌دهد ارزش‌گذاری شده، اگر توانمندی برای زنی که در آستانه طلاق است و توانمندی اقتصادی ندارد، چاره‌ای اندیشیده شود و راهکار داشته می‌توانیم به بحث مهربانه بپردازیم. ما می‌خواهیم دخترانمان را برای ازدواج تشویق کنیم با این شرایط چطور باید آنها را برای ازدواج ملاری و فرزندان را متعدد تشویق کنیم، بنابراین به نظر من در شرایط فعلی با مشکلاتی که جامعه زنان دارد دستکاری این موضوع اصلاً به نفع زنان و خانواده نیست.»

لزم آگاهی بخشی پیش از ازدواج
این حقوقدان با تأکید بر اینکه شرایط اقتصادی و با رفتن قیمت سکه شرایط نامناسبی برای مردانی که مجبور به پرداخت مهریه هستند ایجاد کرده است، می‌گوید: «تنها چاره آگاهی‌بخشی است. این آگاهی می‌تواند اجباری و قانونی باشد یعنی دفتر ثبت ازدواج مکلف باشد قبل از عقد یک مشاوره بکند و دو ساعت اختصاصی برای زوجین برگزار کنند. هر چند حالا هم محضردار مکلف است موارد متداوله را به طرفین تفهیم کند اما آیا این تفهیم انشاق می‌افتد؟ آیا مرد می‌داند که باید مهریه را پرداخت کند؟ من مردان زیادی را دیده‌ام که وقتی می‌روسم چرا مهریه را قبول کردید می‌گویند به ما گفتند کی داده کی گرفته است. یعنی او نمی‌داند به محض قبول ۵۰۰ سکه از همان لحظه عقد بدهکار شده

است.» حسنی حلم با تأکید بر اینکه بر اساس سامانه‌های موجود ثبت اطلاع از اموال آسان است، می‌گوید: «این سامانه‌ها می‌توانند به زن اعلام کنند مورد در حال حاضر چیه توانایی مالی دارد و زن با علم به دارایی مرد ازدواج را قبول می‌کند، یعنی می‌داند مهریه‌ای که نوشته شده هیچ پشتوانه‌ای ندارد. از طرف دیگر مردی هم که مهریه را قبول می‌کند باید مدل پرداخت آن را مشخص کند. بنا به شرایط مالی و شأنیت هر زوج مدل پرداخت نوشته می‌شود.»

با این شرایط مرد هم متوجه می‌شود با دینی واجب الا‌حقی که به چا آوردن آن لازم است- روبروست باید آگاهی بخشی را جدی بگیریم. گنجاندن مشاوره‌های قانونی که بار مالی هم ندارد، هزینه‌اش از خوردن یک پیتزا هم کمتر است. هر دو طرف نسبت به حقوق و تکالیف خود آگاه می‌شوند و اگر قرار است شروطی هم نوشته شود با آگاهی خواهد بود.»

توان پرداخت مهریه را دارند پس نمی‌شود در دینی که مرد خودش آگلفه و کفلا مختار با بلوغ فکری تمهیدی را امضا کرده است، بگوییم نمی‌خواهد این تمهید را پرداخت کند و هر وقت داشتند آن را بپردازند، این کار باعث بی‌نظمی در همه‌فرارندهای جامعه می‌شود.

اگر قرار باشد هر کسی به ندمه خودش تمهیدی را بر عهده بگیرد و راحت از زیر بار پرداخت آن شانه‌خالی کند با بی‌نظمی مواجه می‌شویم.» این کنشگر حوزه زنان با بیان اینکه بعد از انقلاب جامعه زنان نمایندگان مجلس و فتوای مستقیم رهبر انقلاب شد حل توضیح می‌دهد: «به نظر من کنشگران و نخبگان جامعه زنان باید نقش خود را نشان بدهند، مانند همان کاری که در بحث اصلاح ارث انجام دادند. اگر کنشگران نتوانند مشکلات کف میان را به مسئولان برسانند، ناموفق خواهند بود.»

مگر چند زن نماینده مجلس هستند و چند نفر از کسانی که در حوزه تخصصی زنان و خانواده ورود کرده‌اند در مسئولیت‌های اجرایی حضور دارند تا مشکلات جامعه را منعکس کنند. دفتر مدیران بیشتر محل رفت و آمد مردان است بنابراین وظیفه کنشگران و نخبگان جامعه زنان است که آنها را از مشکلات جامعه مطلع و علما برای مسائل زنان هم در حوزه‌های خود و هم در حوزه‌های اجتماعی چاره‌اندیشی کنند. هر چند برخی وای مثل مسائلی مثل مهریه از ۱۴۰۰ سال قبل مطرح بوده و در قرآن هم به عنوان هدیه و پیشکش مطرح شده است.»

حسینی حلم می‌گوید: «مهریه‌های که امروز خانوادها بر آن تأکید می‌کنند، صرفاً به معنای اولیه مهریه نیست. آنها می‌خواهند دو ابزار را در اختیار بگیرند یک اینکه مهریه کسکی در بحث طلاق باشد تا مرد راحت و آسودگی و هیجالی زن را طلاق ندهد چون اگر مرد حقوق مالی زن را اندک، هر وقت که بخواهد می‌تواند زن را طلاق بدهد. از طرف دیگر هم اگر طلاق اتفاق افتاد زن از نظر مالی تاراج‌اندیشی نشده باشد بنابراین باید برای این دو مشکل چاره‌ای بیندیشیم و گزنه ما هم مهریه را ابزار خوبی نمی‌دانیم ولی همین‌طور نه چندان کارآمد نصف و نیمه در برخی از موارد کارگشاست.»

اشاره

گزارشی از ایرانیان دیپورت شده از آمریکا

۱۲۰ مهاجر ایرانی از آمریکا اخراج شدند تا وضعیت رفیای زندگی در این کشور بار دیگر عیان شود

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری، هوابما در دل شب از ایالت لوئیزیانای آمریکا حرکت می‌کند. چراغ‌های کابین خلموش هستند، صدای موتور در سکوتی سنگین می‌پیچد و میان ردیف‌های صندلی، دست‌هایی بسته بازنجیر برقی می‌زند. نگه‌ها خسته و نامید هستند. چمدان‌های کوچک در کنار راه‌آه آخرین درایای آدم‌هایی است که رفیای زندگی آمریکایی را با خود برده بودند و حالا در سفری ۴۰ ساعته به وطن بازگردند. این تصویر همان مهاجرانی است که سال‌ها زندگی خود را با رفیای آمریکایی گره زدند. به گفته حسین نوش‌آبادی، مدیر کل برنامه‌ریزی وزارت امور خارجه، قرار است این ۱۲۰ مهاجر بازگشته، مرحله اول از این کاروان باشند چرا که بر اساس اطلاعات این مقام وزارت خارجه «چندماه پیش در ارتباط با اخراج اتباع ایرانی در آمریکا بحث ۲۰۰ الی ۴۰۰ نفر مطرح شد» با گشت‌های این مهاجران ایرانی اخراج‌شده از آمریکا را با توجه به بی‌سلیب بودن آن، می‌توان نقطه پایانی برای رفیای آمریکایی دانست: رفیایی که برخی از ایرانی‌ها توهم آن به شکل غیرقانونی پای در آمریکا گذاشتند و گمان می‌کردند که با پشتوانه این رفیای پوشالی می‌توانند خود را ناقتنای جاذبه‌های دیگر مهاجران نشان دهند.

خاطره تلخ از مسیر بازگشت
با روی کار آمدن ترامپ از همان ابتدا زرمزهای هرچند شدید با مهاجران شنیده شد و در ادامه راه با وجود تمام انتقادهای در مورد نحوه هرچند با مهاجران غیرقانونی و حتی قانونی، این سیاست اجرایی شد. حلا قرع بازگشت به نام ۲۰ ایرانی افتاده و برخی با وجود بازپوش بردنده‌های مهاجرتی‌شان با سرعت عجیب از آمریکا اخراج شدند. دسترسی به این چهره‌ها با توجه به نحوه بازگشت‌شان از کشور کار آسانی نیست اما در ویدئویی که با رضایت چند تن از آنها در فرودگاه امام خمینی (ره) منتشر شده است، مشخص شد که این مسیر بازگشت یک خاطره تلخ بود. مردانی با چهره‌های خسته در دم ریخته در روایت‌هایی جداگانه که از آنها در فضای مجازی منتشر شد: «۴۰ ساعت نفسگیری بازگشت می‌گویند» «فادست بسته و پلند توی هوابما بودیم. امور وصل رفیقیم، بعد از مصر به قطر و منال مجرمین با دستبند ما در ایران حاضر می‌کردن. آنقدر دستبندها سفت بود که منور جاش روایر و دست و پام سست.» مرد جوان دیگر از زندگی ۱۰ ساله‌اش در آمریکا می‌گوید که در یک شب تمام شد: «۱۰ سال آمریکا بودم، هیچ هزینه‌ای از دولت دریافت نمی‌کردم و از ایران بوم پول می‌فرستادن و من زندگی می‌کردم. یک روز صبح از اداره مهاجرت به خونم حمله شد و من رو بازداشت کردن.»

تعبیر شورمهری آمریکایی
«مردم می‌خواهند که گول این قاچاق‌چریها رو نخورن، گول این شرکت‌های مهاجرتی رو نخورند که می‌کن همه چی توی آمریکا راحت.» این جملات برشی از روایت پسون روشش یک مهاجر ایرانی به آمریکا است که زندگی خود را بعدست تبلیغات شرکت‌های مهاجرتی و قاچاق‌چریها سپرد. او هم مانند بسیاری از عاشقان مهاجرت تحت تأثیر تبلیغات گمان می‌برد که مسیر مهاجرت برای آنها آسان‌تر از مهاجران دیگر کشورهاست. غافل از اینکه گاهی تصمیم شبانه یک سیاستمدار کفیی است تا تمام رفیاهایی که در سر رشته بودند، پینه ششود می‌دهند توی آمریکا به چیزی هست به اسم بازداشت مهاجرتی: کسی از این حرف نمی‌زنه، شما رو می‌گیرن و مثل یک زندانی توی بازداشت‌گاه می‌دارن. می‌دهند توی دادگاه تا روال مهاجرتی رو ولی کنیده، اصلاً برانشون مهم نیست که می‌خواید در خواست کار بدید، خونواده‌ت اونجاست، قرش رو نمی‌کردم که در آمریکا با ما اینجوری رفتار بشه.»

نقطه جوش بر خورده با مهاجران ایرانی
همزمان با سیاست‌های ضربتی ترامپ برای اخراج مهاجران، مقام بر این موضوع تأکید می‌شود که فقط «مدرین‌ها» جنایتکاران و تبهکاران از آمریکا اخراج خواهند شد. موضوعی که آمار منتشر شده پلیس مهاجرت آمریکا در مورد ایرانی‌ها را رد می‌کند. بر اساس گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های خارجی با تکیه بر این آماره، باید گفت که آمارهای سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد ۹۰ درصد از اخراج‌شدگان ایرانی هیچ جرمی مرتکب نشده بودند. کمتر از ۷ درصد از مردان نخبگان مهاجرتی دستبند و ۳ درصد از آنها مرتکب جرم سبک مثل زدنی از مغازه یا خشونت فیزیکی (دعوی خرابی) شده بودند. داده‌های پلیس مهاجرت آمریکا نشان می‌دهد که نزدیک به ۴۱ درصد از ایرانیان اخراج شده توسط مشخص به‌دلیل اینکه حضورشان برخلاف امنیت ملی آمریکا توصیف شده است اخراج شده‌اند و ۸۵ درصد آنها حتی اجازه رویه قضایی با دفاع از اتهامات مطرح‌شده علیه خود را در دادگاه نیافتند و به صورت فوری اخراج شدند.

دیدگاه

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل

از همان لحظه اول تهدید به پرونده زیر بغل، اخراج از کلاس، باز کردن چهارراه وسط کله و... روی سرمان آور شد. امروز مدرسه‌ها را اینتیبند. آن روزها مدرسه‌ها دست کمی از کشتابو نداشت. کافی بود معلم اخم کند، نفس کلاس پندباید. این تازه معلم کلاس بود و می‌شد جاووش چهر کلام ح‌سرف زد. مدیر و ناظم در ردیف پرونگا بودند و ما جوین‌های سرتق. موقعیت آنروز کلاس چیزی شییه دادگاه‌های صحرایی بود و ما چهل یچه سرباز شوری بودیم که سر به زیر انداخته و به کارهای یدمان فکرمی کردیم. آن روز لولایی مدرسه به هر طناب بوسیده‌ای که تصور کنید توسل جتتند خودشان را کشتند. رفقه بودی یکی از آن چهل یچه، خرایاکار را لوبیدهد گوشمان را کشیدند. لای انگشتان مان خود کار گذاشتند. یا خط کش آهنی کف دست‌هایمان را قرمز کردند. یا چک افسری

لپ‌هایمان را گل انداختند. صدا ز دیوار درآمد. حالا که به یاد آن روز می‌افتم که اگر آقای فرشادیان معلم ورزش‌مان ریشش را گرو نمی‌گذاشت حکما ظهر یکی دو جنازه روی دست مدیر می‌ماند. به این فکر می‌کنم که گاهی وقتها مفاهیم خودشان با به زندگی آدمیزاد می‌گذازند. این یچه‌ها حتماً آن روز معنی حمایت گروهی را نمی‌دانستند. نمی‌دانستند احساس غیرت، دفاع از هویت جمعی و ایستادگی در برابر تحقیر یا ظلم حتماً است.

دهنم روشن شد. به عکس‌های کشتی‌ها نگاه می‌کردم و اسم یکی از همکلاسی‌هایم را رویان می‌گذاشتم. آنها حتماً می‌دانستند که به ساحل غزه نمی‌رسند. می‌دانستند که جهان کثافت‌تر از آن است چشمش را باز کند و حقیقت را ببیند. فرق آنها با باقیی جماعت خلموش این بود که زیر لب بگویند به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل.

امیر جدیدی